خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۸ مهر ۱۳۹۵ . ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۳۶۵

برکت

برکت یکی از موضوعات صفحه جدید «دخل و خرج» است. در این صفحه مسائل شرعی و احکام موضوعات اقتصادی از جمله معاملات به روایتی داستان‌وار مطرح می‌شود. شما هم می‌توانید سوژه‌ها و سوالات خود را برای ما ارسال کنید.

## سه نکته مهم شرعی درباره خمس

# کلید جلب روزی

الیاس علیزاده economic@khorasannews.com

**شاید فکر کنیم که حساب و کتاب مالی و سود و زیان و محاسبه سرمایه و... فقط مربوط به بخش حسابداری شرکت‌ها و موسسات است اما باید گفت دین اسلام که مستقیم‌ترین و سریع‌ترین مسیر تحول مثبت انسان‌ها را معرفی کرده، نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبوده است. یکی از واجباتی که هر مسلمان در زندگی باید آن را رعایت کند، داشتن حساب و کتاب دارایی‌ها و بدهی‌های شخصی برای محاسبه «خمس»، در سر رسید سال مالی است. آموزه‌های اسلام، از جلب روزی و آمرزش گناهان در اثر محاسبه خمس و همچنین آلوده شدن مال به حرام و عواقب آن، در اثر بی‌توجهی به این فریضه واجب خبر می‌دهند. در این شماره از منظر سه شغل، نکاتی پیرامون محاسبه خمس را می‌خوانیم.**

روایت اول:

روسری‌های رنگارنگ در ویترین مغازه توجهش را جلب کرده بود. سعی می‌کرد هرکدام از آن روسری‌های رنگارنگ را روی سر مادرش تصور کند. نمی‌دانست مادرش کدام را می‌پسندد. کدام یک از این‌ها بیشتر به اومی آمد و رنگش با لباس‌هایی که داشت هماهنگ‌تر بود؟

یک روسری فیروزه‌ای با گل‌های گل بهی رنگ، از همان‌ها که کنارش طره‌های نیم و جبی دارد و کنار گل‌هایش زری دوزی شده توجهش را جلب کرد. وارد مغازه شد و بی‌درنگ همان را از فروشنده خواست. حتی رنگ‌بندی‌های دیگرش هم آن جلوه فیروزه‌ای را نداشت. می‌دانست این روسری با آویز نقره‌ای مادرش که نگین فیروزه نسبتا درشتی دارد خیلی زیبا می‌شود. می‌دانست مادرش آن آویز را خیلی دوست دارد. هدیه پدرش در اولین روز خانه‌دار شدنش بود.

بی‌آن که برایش خیلی مهم باشد پول روسری را پرداخت و خارج شد. این اولین بار بود که از پول خودش برای مادرش هدیه می‌خرید. از بزرگ‌تر‌ها یاد گرفته بود که مرد وقتی کار پیدا می‌کند از اولین حقوقش باید هدیه‌ای برای مادر و پدرش بگیرد به شکرانه سال‌ها زحمت خالصانه‌ای که آن‌ها برای او کشیده‌اند. حوالی عصر بود که به خانه رسید. پدرش روی تخت کنار باغچه در حیاط نشسته بود و مادرش همزمان با ورود او سینی چای به دست از اتاق بیرون آمد. سلام بلندی به هم کردند و کنار پدر و مادر روی تخت نشست. پدرش از وضعیت کاری‌اش پرسید و مادرش هم نگران غذای اداره بود که آیا به اومی سازد یا نه. در حالی که چای می‌نوشید احساس رضایتش را از کار می‌گفت و اتفاقات جالبی که در برخورد با مشتریان برایش رخ داده بود، توضیح می‌داد. در حالی که مادرش داشت به گل‌های داخل باغچه نگاه می‌کرد، روسری را که کاغذ پیچ کرده بود جلوی روی او گذاشت. مادرش شگفت‌زده شد. پرسید: این به چه مناسبت است؟

پاسخ داد: امروز اولین حقوق ماهیانه‌ام را گرفتم. گفتم اولین چیزی که می‌خرم باید هدیه‌ای برای شما باشد به خاطر همه زحمت‌هایی که برایم کشیده‌ای. مادرش اشک در چشمانش حلقه زد. انگار همه زحمت‌هایی که در این سال‌ها برای او کشیده بود در یک لحظه از مقابل چشمش گذشت و این هدیه برایش مانند پاداشی بود که بعد از بیست و چند سال زحمت بی‌دریغ به او داده بودند. کادو را باز کرد و روسری را بالای سرش انداخت. واقعا به اومی آمد.

پدرش بعد از این که روی او را بوسید به او گفت: پسرم امیدوارم که خداوند برکت را در زندگی‌ات قرار دهد. کاری که امروز کردی کار شایسته‌ای بود. کاری اخلاقی و بسیار پسندیده اما یادت باشد تو امروز کار واجبی هم داری که باید انجام بدهی. کاری که همه برکت و حلال و حرامی پول‌هایت در آینده به آن وابسته است.

پسر با تعجب پرسید: امروز چه کار مهم دیگری باید انجام دهم؟ پدر گفت: یادت باشه امروز اولین روزی است که از دسترنج خودت درآمد داری پول به دست می‌آوری، پس امروز می‌شود شروع درآمد دار شدن تو و آغاز سال خمسی. از امروز باید حساب دخل و خرجت را داشته باشی. باید بدانی چه پولی را در کجا هزینه می‌کنی. باید احکام خمسی‌ات را یاد بگیری و سال آینده در همچین روزی خمست را حساب کنی. چرا که حدیثی از امام رضا علیه السلام است که می‌فرمایند: پرداخت خمس کلید جلب روزی و وسیله آمرزش گناهان است[۱].

نکند یادت برود خمست را حساب کنی که آن وقت دیگر در استجابت دعا بر رویت بسته و مالت مخلوط به حرام می‌شود.

پسر اندکی به فکر فرو رفت و بعد آن روز را به خاطرش سپرد. روزی که خدا او را شایسته کرده است به یاری دین خودش.

روایت دوم:

بازار این روزها آنقدر کشش نداشت که مردم به راحتی بتوانند نقدی خرید کنند. کارش خرید و فروش تلفن همراه و لوازم جانبی‌اش بود. تصمیم گرفته بود هم برای رونق بازار خودش و هم رفع نیاز مردم فروش اقساطی راه بیندازد. خود به خود بعد از چند سال همه اجناسی را که داخل مغازه‌اش بود، چکی می‌خرید و چکی نیز می‌فروخت. به لطف خدا کار و بارش بهتر شده بود و توانسته بود مقداری کارش را گسترش بدهد. بدهی‌های معوقه‌اش را داده بود به فکر راه اندازی شعبه‌ای جدید بود. سال خمسی‌اش را گذاشته بود بیست و سوم ماه رمضان. می‌دانست دیگر شب‌های قدر سرش گرم کارهای روزمره نیست و همان وقت که می‌خواهد به اعمالش فکر و رسیدگی کند می‌تواند به فکر محاسبه خمسش هم باشد. سال قبل هنوز در کارش تغییر ایجاد نکرده بود. اقساط وام‌ها هم مانده بود. مقداری هم در بازار بدهکار بود. وقتی برای محاسبه خمس به دفتر مرجع تقلیدش رفت، نماینده مرجع تقلید به او گفته بود بدهی‌هایت از دارایی‌ات زیادتر است. لذا امسال خمس به شما تعلق نمی‌گیرد. امیدوار است که خدا به خاطر همین نیت خیر شما گره از کارهایت باز کند. امسال هم تصمیم گرفت حساب و کتاب‌هایش را انجام دهد اما امسال کمی سخت شده بود. چون اجناس را به صورت چکی می‌خرید و به صورت نسیه چند ماهه می‌فروخت، هم مقدار زیادی طلبکار بود هم مقدار زیادتری بدهکار. اجناس داخل مغازه را هم که حساب کرد دید برای آن‌ها خیلی بدهکار است و همه به فروش نرفته‌اند که بتواند تسویه کند. حساب و کتاب‌ها او را بدهکار عمده فروش‌ها نشان می‌داد. با خودش فکر کرد شاید امسال هم خمس به او تعلق نمی‌گیرد. صبح روز بیست و سوم به دفتر مرجع تقلیدش رفت. نماینده‌ایشان در دفتر نشسته بود. دفترچه خمسی‌اش را برد تا ایشان برایش حساب و کتاب کند. دفترچه چک‌هایش را هم نشان داد. به او گفت که چک‌هایی که در بازار به عمده فروش‌ها داده‌ام خیلی بیشتر از مقدار جنسی است که فروخته‌ام. نماینده آقا پرسید: بدهی‌های قبلی‌ات چطور؟ توانستی آن‌ها را تسویه کنی؟ گفت: بله، الحمدلله امسال بازار هم نسبت به سال قبل خیلی بهتر شده. توانستم همه بدهی‌وام‌هایم را بدهم و حتی به فکر گسترش هستم اما نمی‌دانم چرا محاسبات چک‌هایم من را مقروض نشان می‌دهد. نماینده آقا گفت: ببین در این طور موارد که خرید و فروش ما نسیه است باید طور دیگری حساب کنی. باید آن مقدار واقعی که می‌دانی مال خودت است و اصلا همان باعث پیشرفت توشده و به امید همان می‌خواهی ادامه بدهی و کارت را گسترش بدهی محاسبه کنی. بالاخره تومی‌دانی که اگر امروز از این کار بخواهی بیرون بیایی چه چیزهایی مال خودت است و چقدر سرمایه‌داری. هر مغازه‌داری این را می‌داند. اگر این سرمایه از آنچه سال گذشته داشتی و خمسش را دادی بیشتر است، باید یک پنجم مقدار اضافه را بدهی. اگر هم کمتر یا مساوی است که خمس ندارد. مردانه فکر کرد و گفت: می‌دانم که در سال گذشته سود کرده‌ام و می‌دانم که همان محاسبه خمس سال گذشته و دعای شما باعث رونق امسال کارم شده اما نمی‌دانستم که اینطور باید محاسبه کنم. خدا شما را خیر دهد. امروز حتما محاسبه می‌کنم و دوباره بر می‌گردم. نماینده آقا گفت: خدا خیرش را در انجام واجبات و ترک محرمات قرارداده. ان شاءا... همه ما مشمول رحمت الهی شویم.

روایت سوم:

این سومین پروژه ساختمانی است که در این چند سال به عنوان پیمانکار قرارداد بسته است. حسن انجام کار و رزومه خوب بهترین پشتوانه او در این مدت برای دریافت این قرارداد بود. سهام‌های خریداری شده‌اش هم در این چند سال غیر از یکی که شرکت عاملش ورشکست شده بود، جواب خوبی داده بود و حتی زیان آن یک شرکت ورشکست شده را هم داده بود. نظریه اقتصادی‌اش این بود که در این دوره زمانه نمی‌شود با یک کار درآمد خوبی به دست آورد. انسان باید به دنبال فرصت‌های اقتصادی بگردد و هر کدام را می‌تواند وارد شود. تا امروز از این ایده و نظر ضرری هم ندیده بود. ظاهرا خیلی از فرصت‌ها در زمینه‌های مختلف او را به سود رسانده بود اما تا به حال فراموش کرده بود که باید خمسش را حساب کند. یک روز وقتی برای مجلس ترحیم پدر یکی از دوستانش به مسجد رفته بود. روحانی سخنران مجلس ختم در صحبت‌هایش گفت: تا فرصت دارید به محاسبه اعمال و اموالتان برسید. نکند که مرگ فرصت را از شما بگیرد که دیگر فرصتی برای محاسبه نخواهد بود. در روایت است که داریم «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» حساب کنید قبل از آن که مورد محاسبه قرار بگیرید.

این صحبت‌ها تاثیر زیادی را آن روز بر روی او گذاشت. یادش آمد که این چند سال اینقدر درگیر کارهای مختلف شده که حتی گاهی نماز‌هایش به آخر وقت می‌افتاده. از خمس هم سال‌هاست که فراموش کرده. احساس ضرر و خسران زیادی می‌کرد. منتظر شد تا سخنرانی تمام شود. بعد از ختم مراسم به سراغ روحانی رفت. به او گفت من سال‌هاست که در بازار کار می‌کنم اما تا به حال خمسم را حساب نکرده‌ام. چند باری به ذهنم زده که بیایم وحساب کنم اما درگیری شغلی باز مرا از این مهم غافل کرده. حالا باید چه کار کنم؟

روحانی گفت: اصل خمس این است که اضافه درآمدی که در هر سال پس از خرج‌های مورد نیاز آن سال برای شما می‌ماند، محاسبه کنید و یک پنجم آن را به عنوان خمس به مرجع تقلیدتان بدهید اما شرایط شما مقداری فرق می‌کند. چون شما در این سال‌ها این پول را حساب نکرده‌اید و مقدار خمسی که باید پرداخت می‌کردید با پول‌های خودتان مخلوط شده و دوباره معامله‌های فراوان کرده‌اید و سود‌های جدید به دست آورده‌اید، در این صورت شما باید کل دارایی‌تان را محاسبه کنید و مشخص کنید که هر کدام از این دارایی‌ها از چه راهی به دست آمده‌اند. چرا که بعضی از اموال مانند ارث و دیه و مهریه خمس ندارند. سپس به دفتر مرجع تقلیدتان مراجعه کنید و با خود او یا وکیل و نماینده او مصالحه کنید. او حتما شما را راهنمایی می‌کند. مرد از این که این همه سال امر به این مهمی را فراموش کرده بود سخت ناراحت بود. می‌دانست که معلوم نیست تا چه زمانی زنده است و خدا نیاورد برای او آن روزی را که با مالی مخلوط به حرام از این دنیای فانی رخت ببندد.

[۱] وسائل الشیعه، ابواب الانفال، باب ۳، ح ۲.

## از ما بپرسید

سوالات و تجربیات خود را برای ما ارسال کنید

۲۰۰۰۹۹۹ | ۰۹۰۳۳۳۳۷۰۱۰

سوال

**کاسبی هستم که نزدیک یک سال و سه ماه هست که کسبم را شروع کرده‌ام. سوالی پیرامون مسئله خمس داشتم: ۱. آیا به جنسی که یک سال است خریداری نموده و در انبار مانده و فروش نرفته است و به قولی بنجل شده و باید حتی زیر قیمت خرید رد شود و در واقع ضرر کاسب محسوب می‌شود هم خمس تعلّق می‌گیرد؟ ۲. آیا اگر امروز جنسی را خریداری نموده و فردا سال خمسی من باشد به این جنس خمس تعلّق می‌گیرد یا باید یک سال بگذرد؟**

آیت‌الله خامنه‌ای

ج۱) اگر از درآمد کسب خریداری شده باشد، سر سال خمسی به قیمتی که امکان فروش دارد، خمس دارد. ج۲) اگر از درآمد کسب خریداری شده، سر سال خمسی باید خمس آن را بپردازید. اجوبه الاستفتائات: سوال ۲۲۴

سوال

**کسی که تاکنون خمس نداده است، چگونه باید اموال خود را محاسبه کند؟**

آیت‌ا... مکارم شیرازی

جواب: کسی که از اول تکلیف، خمس نداده و درآمد هایی پیدا کرده و وسایلی برای زندگی خود خریده است و الان متوجه وظیفه خمس شده و می‌خواهد تکلیف خود را درباره آن ادا کند و زندگی خود را پاک نماید اگر از منافع کسب، چیزی را که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته باید خمس آن را بدهد و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آن‌ها نیاز دارد مطابق شأن خود خریده، پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فایده برده آن‌ها را خریده است لازم نیست خمس آن را بدهد و اگر نداند که در بین سال یا بعد از تمام شدن سال بوده بنابر احتیاط واجب باید با حاکم شرع (مرجع تقلید) یا نماینده او مصالحه کند، یعنی تمام اموال مشکوک خود را حساب کرده و حاکم شرع بدهی او را از جهت خمس به مقداری تخمین می‌زند و با او مصالحه می‌کند و با پرداخت آن تمام اموالش پاک می‌شود.

جناب آقای مهندس زارع صفت
مدیر کل محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی
جناب آقای مهندس موسوی
معاونت محترم میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی
روز جهانی جهانگردی را به شما عالیجنابان و همه همکاران پرتلاشتان صمیمانه تبریک و تهنیت عرض نموده از درگاه ایزد متعال آرزوی توفیق و بهروزی برایتان داریم، بی‌گمان در خشش صنعت گردشگری استان در گروی زحمات بی شائبه شما عزیزان و عنایات ویژه حضرت رضا(ع) تبلور یافته است.
آژانس هواپیمایی فلامینگو مشرق ایرانیان
مشهد: بلوار دانش آموز
حدفاصل دانش آموز ۳ و ۵
تلفکس: ۳۶۰۹۹۹۳۴-۰۵۱
Website : www.flamingo91.ir
Email: flamingoo91@yahoo.com
Air Travel Agency
Flamingo
گردشگری برای همه
همه برای گردشگری
۹۵۱۶۹۴۹۲/م